



بررسی تطبیقی مسؤلیت کیفری اطفال و نوجوانان در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ و ۱۳۹۲

علیرضا محمدبیک‌ی^۱

حبیب اسدی^۲

نویدالهوهئی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۱/۱۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۴/۲۶

چکیده

بابررسی قوانین مربوط به اطفال و نوجوانان ملاحظه می‌شود که در خصوص سن مسؤلیت کیفری اطفال و نوجوانان و همچنین آئین دادرسی جرائم این دسته از افراد قوانین کیفری ایران دست‌خوش تحولات و تغییراتی گردیده و مقررات متعددی در این زمینه تصویب گردیده است. در ایران مطابق ماده ۱۴۷ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ و تبصره ماده ۱۲۱۰ ق.م. سن مسؤلیت کیفری در دختران ۹ سال تمام قمری و در پسران ۱۵ سال تمام قمری است. در تجزیه و تحلیل قوانین سابق و جدید خواهیم دید که برخلاف قوانین سابق در قانون جدید ۳ نوع سن برای اطفال و نوجوانان تعیین شده؛ سن عدم مسؤلیت کیفری (افراد نابالغ): اشخاص زیر این سن هیچ مسؤلیتی نداشته و در صورت ارتکاب جرم فاقد مسؤلیت کیفری می‌باشند. (ماده ۱۴۶ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲) سن مسؤلیت کیفری تخفیف‌یافته که اطفال ۹ تا ۱۵ سال را گویند که مجازات نمی‌شوند بلکه مشمول اقدامات تأمینی و تربیتی می‌گردند و خود به دو دسته تقسیم می‌شوند اولاً، اطفال ۹ تا ۱۲ سال (صغیر غیرممیز) اطفال ۱۲ الی ۱۵ سال (صغیر ممیز) سن بلوغ کیفری است که بر اساس آن در صورتی که افراد زیر این سن مرتکب جرمی شوند، با توجه به قوانین و مقررات مربوط به دادرسی اطفال و نوجوانان به جرایم ایشان رسیدگی می‌شود که در ایران سن بلوغ کیفری ۱۸ سال است. افرادی که در فاصله سنی ۱۵ تا ۱۸ سال مرتکب جرمی شوند در قانون اصلاح و تربیت نگهداری می‌شوند. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ برای افراد نابالغ عدم مسؤلیت کیفری و در مورد افرادی که به تازگی به سن بلوغ رسیده‌اند مسؤلیت کیفری همسان با افراد بزرگ سال مورد پذیرش قرار گرفته است. پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی و واکاوی تطبیقی تشخیص مسؤلیت کیفری اطفال به درک بهتر مسؤلیت کیفری اطفال کمک می‌کند.

واژگان کلیدی: اطفال بزهکار، بلوغ، رشد، مسؤلیت کیفری.

^۱ استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) a.khortab@gmail.com

^۲ استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران. asadi.habib@yahoo.com

^۳ پژوهشگر ارشد راهبردی. navidalh@chmail.ir

مقدمه

خطری که دنیای امروز را با اضمحلال و فروپاشی مواجه ساخته و پیامد آن ایجاد یأس و ناامیدی، نگرانی و تشویش افکار عمومی ملل مختلف جهان بوده، مسأله بزهکاری و ارتکاب جرم در اطفال است. به گونه‌ای که گسترش این موضوع، خردمندان خیراندیش را برآن داشت تا به منظور کمک به حل این معضل بزرگ و پیشگیری از وقوع جرم توسط اطفال، به دنبال متدها و راهکارهای مناسب تربیتی و اصلاحی مناسب در جهت جلوگیری و درمان این مشکل برآمده و با ارائه تحقیقات و نظریات علمی و پژوهشی، شیوه‌های بازدارنده از انحرافات اجتماعی را ضمن احترام به حقوق و آزادی کودکان ارائه نمایند.

پیشرفت هر جامعه منوط به تربیت و پرورش صحیح افراد آن جامعه به ویژه کودکان می‌باشد و این امر مستلزم سرمایه‌گذاری اصولی در جهت رشد و بالندگی کودکان و نوجوانان است. ضمانت اجرای رشد اصول معنوی و انسانی در هر جامعه‌ای نیز تأمین نیازهای عاطفی، تحصیلی و معیشتی و ایجاد فضای بانشاط برای نسل کودک و نوجوان بوده تا در پرتو حمایت‌های معنوی از انحراف و کجروی باز داشته شوند.

در این راستا دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی نیز با در نظر گرفتن این نکته که ساختار آینده هر جامعه‌ای منوط به نوع تربیت و پرورش کودکان آن جامعه است، اقدام به برگزاری اجلاس و سمینارهای مختلف در زمینه بررسی علل افزایش بزهکاری در اطفال، طرق دادرسی به جرایم اطفال، طرق پیشگیری از جرم و اجرای روش‌های تربیتی و مراقبتی در اطفال بزهکار و... نموده و پیامد این نشست‌ها نیز مقررات و کنوانسیون‌های مختلف برای بهبود وضع اطفال در جهان بوده است.

همچنین دولت‌ها با تصویب مقررات و قوانین متفاوت در زمینه بزهکاری اطفال سعی در پیشگیری از ارتکاب جرایم در اطفال نموده و سیاست قضایی دولت‌ها نیز بر جلوگیری از روند رو به رشد بزهکاری در کودکان قرار گرفته است.

آمارهای بین‌المللی حاکی از آن است که علی‌رغم گسترش تکنولوژی و پیشرفت اوضاع اجتماعی، ارتکاب افعال مجرمانه همچون قاچاق مواد مخدر، ضرب و جرح و قتل، جرایم جنسی و سرقت‌های مسلحانه و... در کودکان و نوجوانان رو به افزایش بوده و مصیبت بزرگی دامن‌گیر نظام اجتماعی شده است.

در ایران نیز آمارهای تکان‌دهنده از گسترش جرایم و جنایت اطفال منتشر گردیده که حاکی از قرار گرفتن کشور در معرض مخاطرات اجتماعی را دارد و عمده این مشکلات ناشی از عدم وجود امنیت اقتصادی و اجتماعی برای کودکان و زنان است.

بر این اساس نگارنده با انتخاب این موضوع به بررسی مسئولیت کیفری اطفال در قانون جدید و سابق آیین دادرسی کیفری ایران و چالش‌های حقوق کیفری اطفال در ایران می‌پردازد که این پرسش به ذهن متبادر می‌شود که اقدامات لازم برای رسیدن به یک سن واقعی مسئولیت کیفری چگونه است؟

برای پیشگیری از شیوع ارتکاب افعال مجرمانه در بین اطفال و مسئولان قضایی کشور بایستی اقدام به تنظیم و تدوین لوایح و قوانینی جامع و متناسب با اوضاع و احوال اجتماعی نمایند تا ضمن پیشگیری از ارتکاب جرم در اطفال، ارتکاب این افعال را در ایشان به حداقل ممکن برسانیم.

سرانجام پس از سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی و الحاق ایران به کنواسیون حقوق اطفال که در مجلس شورای اسلامی نیز به تصویب رسیده، قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به شرایط رسیدگی در دادگاه‌های در مواد ۴۰۸ الی ۴۱۷ این قانون اشاره داشته و در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز تقسیمات جدیدی از سن مسئولیت کیفری ارائه گردیده که نگارنده را بر آن داشته تا با انتخاب این موضوع، ضمن بررسی قوانین و مقرراتی که تاکنون در زمینه مسئولیت کیفری و سن بزهکاری اطفال به تصویب رسیده را مورد نقد و بررسی قرار داده و در بررسی تطبیقی با حقوق کیفری اطفال در گذشته و حال، علاوه بر اشاره به نقاط ضعف و قوت قانون ایران، راهکارهای اصلاحی و تجدیدنظر در قوانین و مقررات اطفال در ایران را مد نظر قرار دهد. حمایت قانونی از کودکان با توجه به سازوکارهای سیاست جنایی تا چه اندازه در راستای توسعه برنامه‌های حمایتی از این قشر آسیب پذیر کارآمد خواهد بود؟ تحلیل و ارزیابی قانون حمایت از کودکان و نوجوانان از منظر سیاست جنایی با رویکردی انتقادی به این سؤال پاسخ می‌دهد.

۱- مفهوم مسئولیت کیفری و ارکان آن

۱-۱- معنی لغوی «مسئولیت» و «کیفر»

مسئولیت از نظر لغوی به معنای مسئول بودن، مورد سؤال بودن و مورد مؤاخذه بودن و موظف بودن می‌باشد و در قرآن نیز واژه مسئولیت در آیات متعدد به کار رفته که از آن جمله

عبارتند از «وقفوهم انهم مسئولون»^۱ یعنی آگاه باشند که مورد سؤال قرار می‌گیرند. دکتر لنگرودی نیز در تعریف لغوی واژه مسئولیت بیان می‌کند: «تعهد قانونی شخص بر رفع ضرری که به دیگری وارد کرده است خواه این ضرر ناشی از تقصیر خود وی باشد یا ناشی از فعالیت او شده باشد.» (جعفری لنگرودی، ۶۴۲، ۱۳۸۰)

در بررسی اصطلاحی مسئولیت زمانی می‌توان فرد را مسئول دانست که به لحاظ جسمانی و فکری به کمال رشد رسیده و از اختلالات جسمانی و فکری بری می‌باشد.

ممکن است افراد به طرق مختلف مسئول شناخته شوند که از آن جمله مسئولیت مدنی، مسئولیت اخلاقی، مسئولیت تضامنی، مسئولیت سیاسی و مسئولیت قراردادی و... را می‌توان نام برد. اما آنچه که به طور کلی مورد توجه است آنکه مسئولیت به دو دسته اخلاقی و قانونی تقسیم شده و مسئولیت قانونی نیز به دو دسته کیفری و مدنی قابل تقسیم است.

کلمه کیفر نیز در لغت «به معنی عقوبت و مجازات است که به کسی که خلاف قانون یا اخلاق یا عرف و عادت رفتار کرده و مرتکب عمل بد شده باشد داده می‌شود.» همچنین کیفر در لغت به معنای پاداش کار نیک و بد نیز می‌باشد (همان، ۵۷۹).

دکتر لنگرودی کیفر را به اقسام مختلف اصلی، انضباطی، تبعی و تکمیلی تقسیم می‌کند و از جهتی نیز کیفر به ۴ دسته قانونی، اخلاقی، طبیعی و اخروی تقسیم می‌شود.

با کنار هم قراردادن دو واژه مسئولیت و کیفر مشاهده می‌کنیم که هرگاه کسی مرتکب عمل مجرمانه شده و حقوق اجتماعی و نظم و امنیت عمومی را به مخاطره بیندازد، دارای مسئولیت کیفری بوده و بایستی کیفر و مجازات را درباره وی اعمال نمود.

۲-۱- تعریف اصطلاحی مسئولیت

مسئولیت از نظر اصطلاحی عبارتند از نقض قواعد و مقررات مربوط به یک موضوع در حالی که فرد مسئول از آگاهی و شناخت کافی برخوردار باشد.

مسئولیت «التزام به تقبل آثار، عواقب افعال مجرمانه یا تحمل مجازاتی است که سزای افعال سرزنش‌آمیز بزهکار به شمار می‌آید؛ لکن به صرف ارتکاب جرم نمی‌توان بار مسئولیت را یکباره بر دوش مقصر گذاشت، بلکه پیش از آن باید بتوان او را سزاوار تحمل این بار سنگین دانسته، تقصیری را که مرتکب شده است، نخست به حساب او گذاشت و سپس او را مؤاخذه کرد. توانایی

^۱ قرآن کریم، سوره صافات، آیه ۲۴

پذیرفتن بار تقصیر را در اصطلاح حقوقدانان «قابلیت انتساب» می‌نامند و آن را به برخورداری فاعل از قدرت ادراک و اختیار تعریف کرده‌اند. بنابراین اگر مجرم مدرک یا مختار نباشد، مسئول اعمال خود نیست.

و از حیث قانونی مسئولیت قانونی هر نوع مسئولیتی است که در قانون پیش‌بینی شده است و جزای قانونی (مدنی یا کیفری) برای آن معین شده است. مسئولیت قانونی نیز دو قسم است: مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری...^۱

مسئولیت کیفری (جزایی)، مسئولیت مرتکب جرمی از جرایم مصرح در قانون را گویند و شخص مسئول به یکی از مجازات‌های مقرر در قانون خواهد رسید... در مسئولیت کیفری اسقاط حق به صلح و سازش نیست و عمد (قصد نتیجه) شرط تحقق جرم و مسئولیت است...^۲ در مقابل مسئولیت کیفری، مسئولیت مدنی قرار دارد که عبارتست از «مسئولیت در مقام خسارتی که شخص (یا کسی که تحت مراقبت یا اداره شخص است) یا اشیاء تحت حراست وی به دیگری وارد می‌کند و همچنین مسئولیت شخص بر اثر تخلف از انجام تعهدات ناشی از قرارداد... (دانش زمان، ۱۳، ۱۳۷۶)

در بررسی مسئولیت کیفری دیدیم که در غالب نظام‌های جزایی، مجازات بر پایه فرض مسئولیت بوده و یک فرد زمانی مسئول شناخته می‌شود که از بلوغ و عقل برخوردار باشد و هنگامی که مرتکب افعال غیرقانونی از بلوغ یا عقل و یا هر دوی آنها برخوردار نباشد قابل مجازات نبوده و وقتی می‌توان یک فرد را مجازات نمود که نسبت به رفتار غیرقانونی‌اش آگاه باشد. با عنایت به آنچه بیان گردید می‌توان گفت: مسئولیت کیفری (جزایی) عبارتست از قابلیت مؤاخذه فرد در قبال افعال مجرمانه ارتکابی‌اش مبنی بر اینکه فعل ارتکابی متناسب به وی بوده و حاضر به تحمل مجازات می‌باشد.

۳-۱- مفهوم شناسی طفل (کودک)

طفل یا واژه‌های مشابه دیگری که بر این معنا دلالت دارند از جمله صغیر، کودک، نوجوان به عنوان یکی از گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماعی از زوایای مختلف و از سوی روان‌شناسان، جامعه‌شناسان، جرم‌شناسان، فقها و حقوقدانان مورد توجه و بررسی قرار گرفته‌اند.

^۱ جعفری لنگرودی، محمدجعفر، پیشین، ص ۶۴۴، ش ۵۱۲۸.

^۲ پیشین، صص ۶۴۲ و ۶۴۳، ش ۵۱۲۰.

طفل عبارتست از پسر و دختری که از لحاظ سنی به حد رشد جسمی و فکری نرسیده باشند. طفل به بیان قانون مدنی طفل فردی است که به سن بلوغ نرسیده باشد. بلوغ شرعی در پسر ۱۵ سال و در دختر ۹ سال می‌باشد. با این وصف منظور از طفل در این تحقیق پسر زیر ۱۵ سال و در دختر زیر ۹ سال مد نظر می‌باشد.

در ماده اول میثاق بین‌المللی حقوق طفل آمده است: «طفل هر فرد انسانی است که پایین‌تر از هجده سال قرار داشته باشد، مگر اینکه تحت قانون منطبق بر اطفال، اکثریت زودتر به بلوغ برسند.» این ماده ناظر است به معیار بین‌المللی که دختر و پسر را تا سن هجده ساله کودک و طفل به حساب آورده است و حقوق و امتیازاتی را برای آن بر شمرده است. (دورانت، ۱۰۷، ۱۳۳۷)

این سند بین‌المللی، دو محور اساسی "حمایت" و "بهبود" حقوق اطفال را از جزء وظایف دولت افغانستان به عنوان طرف تعهد دانسته و اعلام کرده است: «طفل به دلیل عدم بلوغ جنسی و ذهنی چه قبل و چه بعد از تولد به حفاظت و مراقبت مخصوص از جمله حمایه‌های قانونی لازم احتیاج دارد.» قانون اساسی علاوه بر به رسمیت شناختن میثاق مذکور، به‌طور ویژه دولت را موظف کرده تا سلامت جسمی و روحی اطفال را تأمین نموده و همچنین رسوم و عنعنات مخالف ارزش‌های اسلامی را منهدم نماید.

طفل یا صغیر در لغت به معنای خردسالی و کوچکی و بچگی می‌باشد. کسی که رشد جسمانی و عقلانی کافی برای ورود به عرصه زندگی و اجتماع را نداشته و مستقلاً قادر به تشکیل زندگی و اداره آن نمی‌باشد صغیر نامیده می‌شود.

در اصطلاح حقوقی نیز طفل یا کودک به کسی گفته می‌شود که از نظر سن به نمو جسمی و روحی لازم برای زندگی اجتماعی نرسیده باشد.^۱

امام خمینی (س) نیز در تحریرالوسیله در تعریف صغیر می‌فرماید: «صغیر کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد.»

همه فقهای بزرگ اسلامی در تعریف طفل این چنین بیان نموده‌اند که طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد و در یک تقسیم‌بندی کودک را طی ۲ دوره قبل از تمیز و بعد از تمیز مورد توجه قرار داده‌اند (زارعت، ۱۲، ۱۳۹۲).

^۱ جمشیدی، علیرضا، گفتار سیاست جنایی در لایحه قضایی قانون تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان، مجله حقوقی دادگستری، ۱۳۸۴، ش ۴۵، ص ۶۳

قانون آیین دادرسی کیفری جدید نیز در تبصره ۱ ماده ۳۰۴ بیان داشته: «طفل، کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده است.»

۴-۱- ارکان مسئولیت کیفری

ارکان و عناصر مسئولیت کیفری عبارتند از:

الف) ارتکاب جرم: یعنی هنگامی می‌توان فرد را مسئول دانست و به تحمل مجازات محکوم نمود که اقدام به انجام فعل یا ترک فعل مجرمانه نموده و از روی اراده و اختیار مرتکب آن شده باشد.

ب) قابلیت انتساب به متهم: هنگامی می‌توان یک فرد را مسئول دانست که نتیجه حاصله از جرم قابلیت انتساب و استناد به فاعل آن را داشته باشد یعنی شخص با علم به مجرمانه بودن فعل ارتكابی و ممنوعیت قانونی آن، از روی اراده اقدام به جرم نموده باشد.

ج) قابلیت تحمل مجازات: یعنی متهم به لحاظ روحی، روانی و جسمی در وضعیتی باشد که اعمال مجازات بر وی با اهداف مجازات‌ها مغایرت نداشته باشد و خود را به دلیل ارتکاب جرم مستحق کیفر بداند. (شامبیانی، ۳۰، ۱۳۷۵).

۲- بررسی سن بزهکاری، طرق دادرسی و مسئولیت کیفری اطفال

۲-۱- سن مسئولیت کیفری اطفال در قوانین ایران

در بررسی به عمل آمده از قوانین کیفری ایران، خواهیم دید که ماهیت حقوقی مسئولیت کیفری مورد توجه واقع نشده و از نظر تقنینی نیز به غیر از قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸ که نسخ گردیده، اشاراتی گذرا به مسأله جرایم اطفال و مسئولیت کیفری آنان در قوانین قبل و بعد از انقلاب شده است.

فلذا در این گفتار سن بزهکاری اطفال را در قوانین بعد از انقلاب اسلامی ایران مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم.

در پی پیروزی انقلاب اسلامی و با استقرار حکومت دینی این اصل بیش از هر اصل دیگری مورد توجه قرار گرفت که کلیه قوانین موجود بایستی بر اساس موازین شرعی و اسلامی باشد. (اصل ۴ ق.ا.ج.ا.ا.) بر این اساس در اصلاح و تغییر و تحول مفاد قوانین سابق اقداماتی به عمل آمده و این تغییرات حقوق کیفری اطفال را نیز شامل شده است. در قانون مجازات بعد از انقلاب، قانونگذار کودکانی را که به حد بلوغ شرعی نرسیده‌اند فاقد مسئولیت کیفری و غیرقابل مجازات

دانسته است. در قوانین پس از انقلاب نکاتی در مورد مسئولیت کیفری اطفال مد نظر قرار گرفته که عبارتند از:

- الف) تغییر سن بلوغ و قابلیت برای پذیرش تکالیف و مسئولیت‌ها
- ب) اصل عدم مسئولیت کیفری اطفال مگر در موارد استثنایی

در این قسمت تحولات حقوق جزا را در خصوص مسئولیت کیفری اطفال مورد توجه قرار خواهیم داد:

۱-۱-۲- جرائم اطفال در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰

ماده ۴۹ ق.م.ا. مقرر می‌دارد: «اطفال در صورت ارتکاب جرم مبرا از مسئولیت کیفری هستند و تربیت آنان با نظر دادگاه به عهده سرپرست اطفال و عندالاقضاء کانون اصلاح و تربیت اطفال می‌باشد.

تبصره ۱: منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد.

تبصره ۲: هرگاه برای تربیت اطفال بزهکار تنبیه بدنی آنان ضرورت پیدا کند تنبیه بایستی به میزان و مصلحت باشد.»

با عنایت به این ماده و تبصره‌های آن نکات قابل استنباط عبارتند از:

۱- عدم مسئولیت کیفری اطفال به طور مطلق که ناشی از بی توجهی قانونگذار به وجود قوه تمیز در صغار می‌باشد و آیات و روایات نیز بین اطفال ممیز و غیرممیز تمایز قائل شده و در برخی موارد اطفال ممیز را دارای مسئولیت کیفری می‌دانند.

۲- عدم تعریف حد بلوغ شرعی به تبعیت از ماده ۲۶ ق.م.ا. سال ۶۱ که ناگزیر بایستی به تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ ق.م.ا. رجوع نمود که بر اساس آن بلوغ در پسران ۱۵ سال تمام قمری و در دختران ۹ سال تمام قمری می‌باشد، لکن در اشکال وارد بر این مسأله بایستی بیان نمود که تحمیل مسئولیت به اطفال در این سنین عاقلانه نبوده چرا که این افراد به لحاظ رشد عقلی به کمال قصد و اختیار نرسیده اند.

۳- توجه به این نکته که برخورد با اطفال بزهکار مجازات نبوده بلکه جنبه تربیتی دارد.

۴- رفع ابهام از تبصره ۳ ماده ۲۶ در خصوص کیفیت اجرای تنبیه بدنی که میزان آن مشخص نشده بود در ماده ۴۹ ق.م.ا. ۱۳۷۰ تنبیه را به میزان و مصلحت فرد توصیه می‌کند (شاملویی، ۲۱، ۱۳۷۵).

۵- ذکر کلمه «بلوغ شرعی» در تبصره ۱ ماده ۴۹ ق.م.ا. ۱۳۷۰ حدود مسئولیت کیفری اطفال بزهکار غیرمسلمان را مشخص نمی‌کند که در این راستا بایستی به ماده ۳ ق.م.ا. ۱۳۷۰ در خصوص اصل حاکمیت سرزمینی قوانین جزایی اشاره نمود و مفاد ماده ۴۹ را در مورد تمام افرادی که در قلمرو حاکمیت ایران مرتکب جنایتی می‌شوند، قابل اجرا دانست.

ماده ۵۰ ق.م.ا. ۱۳۷۰ چنین مقرر می‌دارد: «چنانچه غیربالغ مرتکب قتل و جرح و ضرب شود عاقله ضامن است لیکن در مورد اتلاف مال اشخاص خود طفل ضامن است و اداء آن از مال طفل به عهده ولی طفل می‌باشد.» این ماده تکرار تبصره ۲ ماده ۲۶ ق.م.ا. ۱۳۶۱ می‌باشد که به مسئولیت طفل از دو جنبه توجه نموده است.

در خصوص ارتکاب جرم علیه اشخاص، عمد و خطای کودکان فرقی نداشته و مطابق تبصره ۱ م ۲۹۵ و تبصره ذیل ماده ۳۰۶ ق.م.ا. ۱۳۷۰ جنایتهای عمد و شبه عمد نابالغ به منزله خطا محض بوده و در خطای محض ضامن بر عهده عاقله است اما در مورد قسمت دوم این ماده از مسئولیت مدنی اطفال سخن می‌گوید که ذکر آن در این ماده فاقد ارزش بوده و قانون مدنی در ماده ۳۲۸ به مسئولیت کسانی که مال دیگران را تلف می‌کنند اشاره داشته است.

همچنین در مواردی از قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ به برخی از جرایم ارتكابی و عدم مسئولیت کیفری اطفال و یا تأدیب آنان در برخی موارد اشاره داشته که این مواد عبارتند از: مواد ۱۱۲، ۱۱۳ و ۱۴۷.

۲-۱-۲- جرائم اطفال قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

سن مسئولیت کیفری همان سن تمییز کودک است که فقهاء اطفال را به ممیز و غیرممیز تقسیم نموده‌اند. اگرچه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ سن بلوغ را ملاک مسئولیت کیفری اطفال می‌دانست اما در قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ سن ۹ سالگی را سن مسئولیت کیفری قرار داده است.

در قانون مجازات جدید گامی مثبت با تصریح سن مسئولیت و یکسان سازی مسئولیت بدون توجه به جنسیت در جرائم تعزیری برداشته شده است. قانونگذار به مجازات پلکانی روی آورده است و برخلاف رویه مبهم قبلی شدت مجازات را بنا بر سن و جرم ارتكابی با هدف تربیت و تأدیب مشخص کرده است.

این قانون دوره کودکی و نوجوانی را به چهار دوره تقسیم کرده است. این چهار دوره شامل بدو تولد تا ۹ سالگی، ۹ تا ۱۲ سالگی، ۱۲ تا ۱۵ سالگی، ۱۵ تا ۱۸ سالگی است. ملاک سن مرتکب در این خصوص و مسئولیت و عدم مسئولیت وی «زمان وقوع جرم» است نه زمان رسیدگی به آن.

مقررات قانون سال ۹۲ با مقررات مربوط به شرایط و موانع مسئولیت کیفری متعارض است لیکن در جمع بین آنها باید گفت گرچه سن مسئولیت کیفری، سن بلوغ شرعی است اما اشخاص بالغ زیر ۱۸ سال تابع مقررات خاصی هستند.

مطابق قانون مجازات مصوب ۹۲ اطفال زیر ۹ سال فاقد مسئولیت کیفری بوده و قانونگذار هیچ‌گونه تصمیمی در مورد آنان اتخاذ نکرده است لیکن اشخاص بالای ۹ سال را به دو دسته تقسیم نموده است:^۱

۱- دسته اول که اشخاص ۹ تا ۱۵ سال بوده و قانونگذار آنها را نابالغ دانسته و مجازات نمی‌شوند لیکن مشمول اقدامات تأمینی و تربیتی می‌شوند. (ماده ۱۴۶ و ۱۴۸ ق.م.ا.) درخصوص کودکان و نوجوانان ۹ تا ۱۵ سال (دوره دوم و سوم) تصمیم‌هایی برای اصلاح و تربیت آنان با تأکید بر مسئولیت والدین و دیگر سرپرستان قانونی، گرفته می‌شود که از جمله واگذاری کودک به والدین و سرپرستان قانونی با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت کودک و نوجوان یا در صورت صلاحیت نداشتن والدین، واگذاری کودک به افراد یا موسسات دیگر قابل ذکر است. (ماده ۸۸ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲) البته در این مورد مقررات مربوط به ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی، در مورد سلب حضانت از والدین نیز باید رعایت شود.

۲- دسته دوم اشخاص ۱۵ تا ۱۸ سال هستند که بالغ محسوب شده که ماده ۸۹ تکلیف را روشن کرده و بر اساس آن در صورت ارتکاب جرایم تعزیری از سوی این گروه، مجازات نگهداری در کانون اصلاح و تربیت، جزای نقدی و ارائه خدمات عمومی برای آنان در نظر گرفته شده است. یعنی در قانون جدید ضمن طبقه‌بندی جرایم تعزیری به درجه‌های مختلف، برای هر دوره سنی از کودکان درجه‌هایی از این نوع مجازات اعمال می‌شود.

در مورد جرایم حدود و قصاص نیز به موجب تبصره ۲ ماده ۸۸ ق.م.ا. در مورد اطفال مذکور ۱۲ تا ۱۵ و قبل آن یعنی ۹ تا ۱۲، نیز همان تصمیم‌های مندرج در ماده ۸۸ اتخاذ می‌شود. قابل تجدیدنظر بودن این تصمیم‌ها از سوی دادگاه اطفال هر چند بار که

^۱ زراعت، عباس، حقوق جزای عمومی ۳ (مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی)، تهران، انتشارات جاودانه، چاپ اول، ۱۳۹۲، ص ۵۲۷.

مصلحت کودک اقتضاء کند، قابل تبدیل بودن مجازات نگهداری در کانون و جزای نقدی به مواردی دیگر که به مصلحت کودک و نوجوان باشد، قابل تبدیل بودن مجازات حدود و قصاص به جرایم تعزیری در مورد کودکان بالغ کمتر از ۱۸ سال در صورت شبیه در کمال عقل و رشد کودکان، از جمله موارد مهم و قابل توجه در قانون جدید است.

۲-۲- نحوه رسیدگی، صدور حکم و اجرای مجازات در مورد اطفال بزهکار

تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۶۱ به جرایم اطفال مطابق قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸ در محاکم دادگستری رسیدگی می‌شد و پس از ایجاد محاکم کیفری ۱ و ۲ به تدریج دادگاه‌های اطفال برچیده شد و دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ با رویه‌های متفاوت اقدام به رسیدگی و تصمیم‌گیری می‌نمودند که تا قبل از تصویب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ مصوبات و آراء وحدت رویه متعددی در خصوص دادگاه رسیدگی‌کننده به جرایم اطفال، تنظیم و اجرا گردید، لکن با تصویب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب سال ۱۳۷۳ تمامی قوانین گذشته قابلیت اجرایی خود را از دست دادند و هیچ‌گونه تصمیمی در زمینه چگونگی رسیدگی به جرایم اطفال و مرجع رسیدگی‌کننده اتخاذ نشد و تنها در ماده ۸ آئین‌نامه اجرایی ق.ت.د.ع.ا. چنین مقرر گردیده بود: «رئیس قوه قضائیه می‌تواند در هر حوزه قضایی هر یک از قضات را متناسب با تجربه و تبحر آنها با ابلاغ خاص برای رسیدگی به امور کیفری، حقوق خانوادگی، اطفال، دریایی، پزشکی و دارویی و صنفی و امثال آنان تعیین و منصوب نماید.»

ماده ۲۱۹ ق.آ.د.د.ع.ا.ک. و تبصره ۲ همین ماده نیز از اختصاص یک یا چند شعبه از دادگاه عمومی به دادگاه‌های اطفال سخن گفته و عنوان نموده که دادگاه عمومی به جرایم اطفال برابر مقررات رسیدگی خواهد کرد (صانعی، ۳۷، ۱۳۷۲).

در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به تشکیل دادگاه اطفال اشاره نموده و در ماده ۲۹۸ و مواد ۴۰۸ الی ۴۱۷ ق.آ.د.ک. مصوب ۱۳۹۲ نیز به تشکیلات دادگاه اطفال و ترتیب رسیدگی جرایم اطفال در این دادگاه‌ها اشاره داشته است (استفانی و دیگران، ۴۲، ۱۳۷۷).

۱-۲-۲- دادگاه صالح و مقام صلاحیت‌دار

طبق ماده ۱۴ ق.ت.د.ع.ا. دادگاه اطفال به ریاست قاضی یا دادرسی علی‌البدل تشکیل می‌شود که تمام اقدامات و تحقیقات ضروری از بدو امر تا ختم قضیه و انشاء رأی به وسیله قاضی دادگاه

اطفال صورت می‌گیرد. صلاحیت این دادگاه با عنایت به اوضاع و احوال شخصی طفل متهم، نوع جرم ارتكابی وی و محل ارتكاب جرم مد نظر است.

ماده ۲۱۹ ق.ا.د.د.ع.ا.ک. مقرر می‌داشت: «در هر حوزه قضایی و در صورت نیاز یک یا چند شعبه از دادگاه‌های عمومی برای رسیدگی به کلیه جرایم اطفال اختصاص داده می‌شود (پاد، ۲۴، ۱۳۷۴).

تبصره ۱: منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد.»

تبصره ماده ۲۲۰ ق.ا.د.د.ع.ا.ک. نیز مقرر نموده بود: «به کلیه جرایم اشخاص بالغ کمتر از ۱۸ سال تمام نیز در دادگاه اطفال طبق مقررات عمومی رسیدگی می‌شود.»

اما مطابق ماده ۲۹۸ ق.ا.د.ک. مصوب ۱۳۹۲ «دادگاه اطفال و نوجوانان با حضور یک قاضی و دو مشاور تشکیل می‌شود. نظر مشاوران، مشورتی است.» و برابر تبصره این ماده؛ در هر حوزه قضائی شهرستان یک یا چند شعبه دادگاه اطفال و نوجوانان بر حسب نیاز تشکیل می‌شود. تا زمانی که دادگاه اطفال و نوجوانان در محلی تشکیل نشده است، به کلیه جرائم اطفال و نوجوانان، به جز جرائم مشمول ماده (۳۱۵) این قانون، در شعبه دادگاه کیفری دو یا دادگاهی که وظایف آن را انجام می‌دهد رسیدگی می‌شود. برابر ماده ۳۰۴ این قانون «به کلیه جرائم اطفال و افراد کمتر از هجده سال تمام شمسی در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود. در هر صورت محکومان بالای سن هجده سال تمام موضوع این ماده، در بخش نگهداری جوانان که در کانون اصلاح و تربیت ایجاد می‌شود، نگهداری می‌شوند.»

در ماده ۴۰۸ ق.ا.د.ک. مصوب ۱۳۹۲ نیز بیان نموده است: «رئیس دادگستری یا رئیس کل دادگاه‌های شهرستان مرکز استان هر حوزه حسب مورد ریاست دادگاه‌های اطفال و نوجوانان را نیز بر عهده دارد.»

بنابراین با عنایت به مفاد مواد فوق‌الاشاره در قانون جدید و سابق آیین دادرسی کیفری در می‌یابیم که سن اطفال زیر ۱۸ سال به عنوان معیار صلاحیت شخصی دادگاه اطفال بوده یعنی با توجه به اینکه سن طفل متهم کمتر از ۱۸ سال می‌باشد، دادگاه صالح جهت رسیدگی دادگاه اطفال است (صانعی، ۱۳۲، ۱۳۷۲).

لیکن تفاوت قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ با قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در موارد زیر است:

۱- در ماده ۲۱۹ ق.ا.د.د.ع.ا.ک. بیان نموده بود که کلیه جرایم اطفال در هر حوزه قضایی به شعبه‌ای از دادگاه عمومی که به جرایم اطفال رسیدگی می‌کند اختصاص یافته است و

تنها این دادگاه صلاحیت ذاتی جهت رسیدگی به جرایم ارتكابی اطفال را دارد و دادگاه-های اطفال در صورتی موظف به رسیدگی می‌باشند که جرم در حوزه قضایی آن دادگاه واقع یا کشف شده و یا متهم در آن حوزه دستگیر شده باشد. (صلاحیت محلی) لیکن مطابق تبصره ماده ۲۹۸ ق.آ.د.ک. آمده است: «در هر حوزه قضایی شهرستان یک یا چند شعبه دادگاه اطفال و نوجوانان برحسب نیاز تشکیل می‌شود.»

۲- در ماده ۲۹۸ آمده است که تشکیل دادگاه اطفال با حضور دو مشاور می‌باشد اما در قانون سابق به چنین موضوعی اشاره نشده بود.

۲-۲-۲- مرحله تحقیقات مقدماتی

در جرایم غیرمشهود مطابق ماده ۱۸ ق.آ.د.د.ع.ا.ک. ضابطین دادگستری به محض اطلاع از وقوع جرم مراتب را جهت کسب تکلیف و اخذ دستور لازم به مقام ذیصلاح قضایی اعلام نموده و پس از کسب نظر مقام قضایی تحقیقات و اقدامات قانونی را برای کشف جرم به عمل می‌آورند. در جرایم مشهود نیز ضابطین دادگستری تمامی اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات و ادوات جرم و آثار و علائم و دلایل آن و جلوگیری از فرار متهم و تحقیقات مقدماتی را انجام داده و بلافاصله به اطلاع مقام قضایی می‌رسانند (صفایی، ۲۳۴، ۱۳۷۴).

کلیه اقدامات قانونی و تحقیقات مقدماتی در خصوص جرایم مشهود یا غیرمشهود بایستی به اطلاع دادستان برسد. در خصوص انجام تحقیقات مقدماتی مطابق ماده ۲۱۱ ق.آ.د.د.ع.ا.ک. در جرایم اطفال رسیدگی مقدماتی اعم از تعقیب و تحقیق با رعایت مفاد تبصره ماده ۴۳ توسط دادرس و یا به درخواست او توسط قاضی تحقیق انجام می‌گیرد که مطابق ماده ۲۷ همین قانون تعیین قاضی با رئیس حوزه قضایی یا معاون او خواهد بود (غفوری، ۸۱، ۱۳۵۵).

لیکن مطابق ماده ۲۸۵ ق.آ.د.ک. مصوب ۱۳۹۲: «در معیت دادگاه اطفال و نوجوانان و در محل آن، شعبه‌ای از دادرسی عمومی و انقلاب با عنوان دادرسی ویژه نوجوانان به سرپرستی یکی از معاونان دادستان و با حضور یک یا چند بازپرس، تشکیل می‌شود. تحقیقات مقدماتی جرائم افراد پانزده تا هجده سال به جز جرائم موضوع مواد (۳۰۶) و (۳۴۰) این قانون که به طور مستقیم از سوی دادگاه صورت می‌گیرد، در این دادرسی به عمل می‌آید.» و در تبصره ۲ این ماده آمده است: «در جرائم مشهود، هرگاه مرتکب، طفل یا نوجوان باشد، ضابطان دادگستری مکلفند نسبت به حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و دلایل جرم اقدام نمایند، لکن اجازه تحقیقات مقدماتی از طفل یا نوجوان را ندارند و در صورت دستگیری وی، موظفند متهم را حسب مورد، فوری به

دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان تحویل دهند. انقضاء وقت اداری و نیز ایام تعطیل مانع از رجوع به دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان نیست.»

همچنین به موجب ماده ۲۲۴ ق.آ.د.ع.ا.ک. بازپرس یا قاضی تحقیق موظف به رعایت تمامی شرایطی است که در قانون برای وی تعیین گردیده لکن چنانچه در جریان تحقیقات ضرورتی به نگهداری طفل نباشد برای امکان دسترسی به او و جلوگیری از فرار یا پنهان شدن وی با توجه به نوع و اهمیت جرم و دلایل آن یکی از تصمیمات زیر اتخاذ خواهد شد:

۱- التزام ولی یا سرپرست قانونی طفل یا شخص دیگر به حاضر کردن طفل در موارد لزوم با تعیین وجه التزام اعتبار افراد مذکور باید احراز شود.

۲- اخذ وثیقه مناسب از ولی یا سرپرست طفل یا شخص دیگر برای آزادی طفل با نظر دادگاه.

طبق تبصره ۱ همین ماده: «در صورتی که نگهداری طفل برای انجام تحقیقات یا جلوگیری از تبانی نظر به اهمیت جرم ضرورت داشته باشد یا طفل ولی یا سرپرست نداشته یا ولی و سرپرست او حاضر به التزام یا دادن وثیقه نباشد و شخص دیگری نیز به نحوی که فوقاً اشاره شده التزام یا وثیقه ندهد، طفل متهم تا صدور رأی و اجرای آن در کانون اصلاح و تربیت به صورت موقت نگهداری خواهد شد.» و طبق تبصره ۲ همین ماده: «اگر در حوزه دادگاه کانون اصلاح و تربیت وجود نداشته باشد به تشخیص دادگاه در محل مناسب دیگری نگهداری خواهد شد.» و مطابق قانون سابق صدور قرارهای فوق در مراحل تحقیقات مقدماتی توسط قاضی تحقیق صورت می‌پذیرفت. اما در ماده ۲۸۷ ق.آ.د.ک. مصوب ۱۳۹۲ آمده است: «در جریان تحقیقات مقدماتی، مرجع قضائی حسب مورد، اطفال و نوجوانان موضوع این قانون را به والدین، اولیاء، یا سرپرست قانونی یا در صورت فقدان یا عدم دسترسی و یا امتناع از پذیرش آنان، به هر شخص حقیقی یا حقوقی که مصلحت بداند، می‌سپارد. اشخاص مذکور ملتزمند هرگاه حضور طفل یا نوجوان لازم باشد او را به مرجع قضائی معرفی نمایند. افراد پانزده تا هجده سال نیز شخصاً ملزم به معرفی خود به دادگاه می‌باشند.

در صورت ضرورت، أخذ کفیل یا وثیقه تنها از متهمان بالای پانزده سال امکان‌پذیر است. در صورت عجز از معرفی کفیل یا ایداع وثیقه و یا در مورد جرائم پیش‌بینی شده در ماده (۲۳۷) این قانون، دادسرا یا دادگاه می‌تواند با رعایت ماده (۲۳۸) این قانون، قرار نگهداری موقت آنان را در کانون اصلاح و تربیت صادر کند.»

بر اساس آنچه بیان گردید تفاوت‌های زیر در قانون سابق و جدید کیفری مشهود است:

۱- در قانون سابق کیفری ضابطان دادگستری مسئولیت تحقیق جرایم مشهود و غیرمشهود را عهده‌دار بودند و پس از انجام تحقیق باید آن را به اطلاع مقام قضایی می‌رسانیدند لیکن در قانون جدید ضابطان دادگستری اجازه تحقیقات مقدماتی از طفل یا نوجوان را در جرایم مشهود ندارند و در صورت دستگیری وی، موظفند متهم را حسب مورد، فوری به دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان تحویل دهند.

۲- در قانون سابق انجام تحقیقات مقدماتی مطابق ماده ۲۱۱ ق.آ.د.د.ع.ا.ک در جرایم اطفال اعم از تعقیب و تحقیق با رعایت مفاد تبصره ماده ۴۳ توسط دادرس و یا به درخواست او توسط قاضی تحقیق انجام می‌گرفت اما در قانون جدید مطابق ماده ۲۸۵ در معیت دادگاه اطفال و نوجوانان و در محل آن، شعبه‌ای از دادسرای عمومی و انقلاب با عنوان دادسرای ویژه نوجوانان به سرپرستی یکی از معاونان دادستان و با حضور یک یا چند بازپرس، تشکیل می‌شود. تحقیقات مقدماتی جرائم افراد پانزده تا هجده سال به جز جرائم موضوع مواد (۳۰۶) و (۳۴۰) این قانون که به طور مستقیم از سوی دادگاه صورت می‌گیرد، در این دادسرا به عمل می‌آید (فرقانی، ۱۰۹، ۱۳۷۹).

۳-۲-۲- مرحله دادرسی و صدور حکم

پس از ختم تحقیقات مقدماتی، مرجع صالح قضایی (دادگاه اطفال و جوانان) با رعایت اصول دادرسی اطفال اقدام به تشکیل جلسه دادرسی با حضور طفل، والدین یا سرپرست قانونی، وکیل مدافع، مشاورین و متخصصین و شهود و مطلعین جهت رسیدگی به بزه ارتکابی طفل متهم و اتخاذ تصمیم در این زمینه می‌نماید. مطابق ماده ۲۲۰ ق.آ.د.د.ع.ا.ک: «در هنگام رسیدگی به جرایم اطفال، دادگاه مکلف است به ولی یا سرپرست قانونی طفل اعلام نماید در دادگاه شخصاً حضور یابد یا برای او وکیل تعیین کند. چنانچه ولی یا سرپرست قانونی اقدام به تعیین وکیل ننماید و خود نیز حضور نیابد دادگاه برای طفل وکیل تسخیری تعیین خواهد کرد.» از جمله حقوقی که در این ماده برای اطفال بزهکار قائل شده بود حضور ولی یا سرپرست قانونی طفل یا تعیین وکیل مدافع جهت حضور در دادرسی بود به طوری که در صورت امتناع والدین یا سرپرست قانونی از حضور و حتی تعیین وکیل، دادگاه برای حفظ حقوق طفل بزهکار وکیل تسخیری تعیین می‌کند. لیکن در ماده ۴۱۲ ق.آ.د.ک. مصوب ۱۳۹۲ آمده است: «دادگاه اطفال و نوجوانان وقت جلسه رسیدگی را تعیین و به والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان، وکیل وی و دادستان و شاکی ابلاغ می‌کند.» و در این ماده برخلاف ماده ۲۲۰ در قانون سابق اولاً تکلیفی بر

والدین طفل بزهکار جهت تعیین وکیل در نظر نگرفته؛ ثانیاً امتناع والدین در تعیین وکیل مورد اشاره قرار نگرفته است لیکن ماده ۴۱۵ ق.آ.د.ک. مصوب ۱۳۹۲ همچون ماده ۲۲۰ بیان می‌دارد «در صورت عدم تعیین وکیل یا عدم حضور وکیل بدون اعلام عذر موجه، در مرجع قضائی برای متهم وکیل تعیین می‌شود.»

ماده ۲۲۶ ق.آ.د.ع.ا.ک. نیز مقرر می‌دارد: «در صورتی که مصلحت طفل اقتضاء نماید رسیدگی در قسمتی از مراحل دادرسی در غیاب متهم انجام خواهد گرفت و در هر حال رأی دادگاه حضوری محسوب می‌شود.»

و در ماده ۴۱۴ ق.آ.د.ک. نیز اشاره نموده: «هرگاه مصلحت طفل موضوع تبصره (۱) ماده (۳۰۴) این قانون، اقتضاء کند، ممکن است تمام یا قسمتی از دادرسی در غیاب او به عمل آید. رأی دادگاه در هر صورت حضوری محسوب می‌شود.»

بر اساس این دو ماده اصل بر حضور طفل در تمامی مراحل دادرسی و صدور رأی می‌باشد لکن در جهت حفظ مصالح طفل و رعایت اوضاع و احوال روحی و روانی وی، ممکن است مرحله‌ای از دادرسی یا صدور رأی بدون حضور وی باشد. لیکن قانون سابق جنبه تأکیدی داشته و بیان می‌نماید اگر مصلحت طفل اقتضاء کند قسمتی از مراحل دادرسی در غیاب متهم انجام خواهد گرفت در حالی که در قانون جدید جنبه اختیاری داشته و بیان می‌نماید که اگر مصلحت طفل اقتضاء کند ممکن است تمام یا قسمتی از دادرسی در غیاب او به عمل آید (محسنی، ۱۲، ۱۳۵۹).

همچنین طبق ماده ۲۲۵ ق.آ.د.ع.ا.ک.: «رسیدگی به جرایم اطفال علنی نخواهد بود در دادگاه فقط اولیاء و سرپرست قانونی طفل و وکیل مدافع و شهود و مطلعین و نماینده کانون اصلاح و تربیت که دادگاه حضور آنان را لازم بداند حاضر خواهند شد. انتشار جریان دادگاه از طریق رسانه‌های گروهی و یا فیلمبرداری و تهیه عکس و افشای هویت و مشخصات طفل متهم ممنوع و متخلف به مجازات قانونی مندرج در ماده ۶۴۸ ق.م.ا. محکوم خواهد شد.»

اما در ماده ۴۱۳ قانون جدید آمده: «در دادگاه اطفال و نوجوانان، والدین، اولیاء یا سرپرست طفل و نوجوان، وکیل مدافع، شاکی، اشخاصی که نظر آنان در تحقیقات مقدماتی جلب شده، شهود، مطلعان و مددکار اجتماعی سازمان بهزیستی حاضر می‌شوند. حضور اشخاص دیگر در جلسه رسیدگی با موافقت دادگاه بلامانع است.»

بنابراین با مشاهده دو ماده جدید و قدیم می‌توان به تفاوت‌های زیر پی‌برد:

- ۱- برخلاف ماده ۲۲۵ سابق که بر غیرعلنی بودن دادرسی اشاره نموده در قانون جدید حضور اشخاص دیگر در جلسه رسیدگی را با موافقت دادگاه بلامانع دانسته است.
- ۲- در قانون سابق به منع انتشار جریان دادرسی در متن ماده اشاره گردیده و ضمانت اجرای این عمل را مجازات مرتکب مطابق ماده ۶۴۸ ق.م.ا. دانسته این در حلیست که در قانون جدید به این موضوع اشاره‌ای صورت نگرفته است.
- ۳- در قانون جدید برخلاف قانون سابق به حضور مددکار بهزیستی اشاره گردیده است.

مطابق مفاد قانون مجازات اسلامی سابق (مواد ۴۹ و ۵۰ و سایر مواد) آراء دادگاه‌های اطفال به شرح ذیل است:

- ۱- سپردن طفل به ولی یا سرپرست قانونی طفل
- ۲- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت (ماده ۳۰۴ ق.آ.د.ک.)
- ۳- تنبیه بدنی
- ۴- شلاق
- ۵- تعزیر و تأدیب

لیکن در ماده ۸۸ و ۸۹ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ و قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ آراء دادگاه‌های اطفال به شرح ذیل است:

درباره اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرائم تعزیری می‌شوند و سن آنها در زمان ارتکاب، نه تا پانزده سال تمام شمسی است حسب مورد، دادگاه یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ می‌کند:

- الف) تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان.
- ب) تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که دادگاه به مصلحت طفل یا نوجوان بداند با الزام به انجام دستورهای مذکور در بند الف) در صورت عدم صلاحیت والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان و یا عدم دسترسی به آنها با رعایت مقررات ماده ۱۱۷۳ ق.م.

پ) نصیحت به وسیله قاضی دادگاه

ت) اخطار و تذکر و یا اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم

ث) نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال در مورد جرائم تعزیری درجه یک تا پنج

مطابق تبصره بند "الف" ماده ۸۸ هرگاه دادگاه مصلحت بداند می‌تواند حسب مورد از اشخاص مذکور در این بند تعهد به انجام اموری از قبیل موارد ذیل و اعلام نتیجه به دادگاه در مهلت مقرر را نیز اخذ نماید:

- ۱- معرفی طفل یا نوجوان به مددکار اجتماعی یا روانشناس و دیگر متخصصان و همکاری با آنان.
- ۲- فرستادن طفل یا نوجوان به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه‌آموزی
- ۳- اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان تحت نظر پزشک
- ۴- جلوگیری از معاشرت و ارتباط مضر طفل یا نوجوان با اشخاص به تشخیص دادگاه
- ۵- جلوگیری از رفت و آمد طفل یا نوجوان به محل‌های معین

مطابق تبصره بند "ب" این ماده «تسلیم طفل به اشخاص واجد صلاحیت منوط به قبول آنان است.»

در تبصره ۱ بند "ث" این ماده نیز آمده است: «تصمیمات مذکور در بندهای (ت) و (ث) فقط درباره اطفال و نوجوانان دوازده تا پانزده سال قابل اجراء است. اعمال مقررات بند (ث) در مورد اطفال و نوجوانانی که جرائم موجب تعزیر درجه یک تا پنج را مرتکب شده‌اند، الزامی است.» و در تبصره ۲ این بند نیز بیان می‌نماید که «هرگاه نابالغ مرتکب یکی از جرائم موجب حد یا قصاص گردد در صورتی که از دوازده تا پانزده سال قمری داشته باشد به یکی از اقدامات مقرر در بندهای (ت) و یا (ث) محکوم می‌شود و در غیر این صورت یکی از اقدامات مقرر در بندهای (الف) تا (پ) این ماده در مورد آنها اتخاذ می‌گردد.»

در تبصره ۳ بند "ث" ماده ۸۸ نیز بیان گردیده: «در مورد تصمیمات مورد اشاره در بندهای (الف) و (ب) این ماده، دادگاه اطفال و نوجوانان می‌تواند با توجه به تحقیقات به عمل آمده و همچنین گزارش‌های مددکاران اجتماعی از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او، هر چند بار که مصلحت طفل یا نوجوان اقتضاء کند در تصمیم خود تجدیدنظر نماید (محمدی، ۱۲، ۱۳۸۵).

در ماده ۸۹ ق.م.ا. بیان گردیده: «درباره نوجوانانی که مرتکب جرم تعزیری می‌شوند و سن آنها در زمان ارتکاب، بین پانزده تا هجده سال تمام شمسی است مجازات‌های زیر اجراء می‌شود:

- الف) نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از دو تا پنج سال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه یک تا سه است.
- ب) نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از یک تا سه سال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه چهار است.
- پ) نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال یا پرداخت جزای نقدی از ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا انجام یکصد و هشتاد تا هفتصد و بیست ساعت خدمات عمومی رایگان در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه پنج است.
- ت) پرداخت جزای نقدی از یک میلیون (۱,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا انجام شصت تا یکصد و هشتاد ساعت خدمات عمومی رایگان در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه شش است.
- ث) پرداخت جزای نقدی تا یک میلیون (۱,۰۰۰,۰۰۰) ریال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه هفت و هشت است.

همچنین مطابق تبصره ۱ این ماده ساعات ارائه خدمات عمومی، بیش از چهار ساعت در روز نیست. و طبق تبصره ۲، دادگاه می‌تواند با توجه به وضع متهم و جرم ارتكابی، به جای صدور حکم به مجازات نگهداری یا جزای نقدی موضوع بندهای (الف) تا (پ) این ماده، به اقامت در منزل در ساعتی که دادگاه معین می‌کند یا به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت در دو روز آخر هفته حسب مورد برای سه ماه تا پنج سال حکم دهد.

همچنین مطابق ماده ۴۱۶ ق.آ.د.ک. به دادخواست ضرر و زیان ناشی از جرم که در دادگاه اطفال و نوجوانان مطرح می‌گردد، نیز طبق مقررات قانونی رسیدگی و حکم مقتضی صادر می‌شود. در هنگام رسیدگی به دعوی ضرر و زیان، حضور طفل لازم نیست، مگر در صورتی که توضیحات وی برای صدور رأی ضروری باشد. این موضوع در ماده ۲۲۷ ق.آ.د.د.ع.ا.ک. نیز مورد اشاره قرار گرفته بود.

بر اساس ماده ۳۱۲ ق.آ.د.ک. (ماده ۲۲۸ ق.آ.د.د.ع.ا.ک.) هرگاه یک یا چند طفل یا نوجوان با مشارکت یا معاونت اشخاص بزرگسال مرتکب جرم شوند و یا در ارتكاب جرم با اشخاص بزرگسال معاونت نمایند، فقط به جرائم اطفال و نوجوانان در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود.

و در جرائمی که تحقق آن منوط به فعل دو یا چند نفر است، در صورتی که رسیدگی به اتهام یکی از متهمان در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان باشد، رسیدگی به اتهام کلیه متهمان در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می‌آید. در این صورت اصول حاکم بر رسیدگی به جرائم اشخاص بالاتر از هجده سال تابع قواعد عمومی است.

لیکن در ماده ۳۱۵ ق.آ.د.ک. تأسیس جدیدی از سوی قانونگذار صورت گرفته که در قانون سابق وجود ندارد. در این ماده به «دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان» اشاره شده است. این ماده بیان می‌دارد: «در صورتی که اطفال و نوجوانان مرتکب یکی از جرائم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک یا انقلاب شوند، به جرائم آنان در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود و متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود، بهره‌مند می‌گردد.» همچنین مطابق تبصره ۱ این ماده آمده است: «در هر شهرستان به تعداد مورد نیاز، شعبه یا شعبی از دادگاه کیفری یک به عنوان "دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان" برای رسیدگی به جرائم موضوع این ماده اختصاص می‌یابد. تخصصی بودن این شعب، مانع از ارجاع سایر پرونده‌ها به آنها نیست.» بدیهی است که آراء و تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان علاوه بر شاکی، متهم و محکوم^۴-علیه، به ولی یا سرپرست قانونی متهم و محکوم^۴علیه و در صورت داشتن وکیل به وکیل ایشان نیز ابلاغ می‌شود. (ماده ۴۱۷ ق.آ.د.ک.)

۴-۲-۲- مرحله اجرای حکم

پس از رسیدگی به بزه ارتكابی طفل متهم و صدور حکم از سوی مرجع صالح قضایی، حکم صادره بایستی به اجرا گذارده شود که یکی از احکامی که دادگاه صادر خواهد نمود سپردن طفل به والدین یا سرپرست قانونی او با اخذ تعهد به جهت تأدیب و تربیت و مواظبت می‌باشد. (بند الف ماده ۸۸ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲) در این روش پس از احضار طفل متهم، والدین یا سرپرست قانونی وی آنان را نسبت به قصورشان در تربیت و هدایت طفل آگاه ساخته و ضمن برشمردن علل ارتکاب جرم، پس از اخذ تعهد نسبت به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن رفتار و اخلاق، طفل را به اولیاء یا سرپرست قانونی او با اخذ تعهد می‌سپارد. در این خصوص تربیت اطفال با نظر دادگاه صورت می‌گیرد (نوربها، ۱۲، ۱۳۷۸).

به موجب ماده ۸۸ و ۸۹ ق.م.ا. در برخی موارد جرم ارتكابی طفل بزهکار به گونه ای است که دادگاه نامبرده را به کانون اصلاح و تربیت اطفال معرفی می‌کند. (ماده ۴۹ ق.م.ا. سابق) و

طبق ماده ۲۹ آئین‌نامه اجرایی سازمان کانون اصلاح و تربیت، سازمان کانون اصلاح و تربیت در مورد اطفالی که مدت توقف آنها در قسمت اصلاح و تربیت و یا زندان بیش از ۶ ماه باشد در آخرین ماه توقف چنانچه مدیر کانون رفتار و وضع روحی و اخلاقی طفل را مناسب تشخیص دهد می‌تواند با اطلاع و یا پس از تأیید قاضی دادگاهی که طفل را به کانون اعزام داشته است مؤافقت نماید که طفل روزها در خارج نزد کارفرمای مورد اعتماد کار کرده یا در آموزشگاهی که مورد مؤافقت کانون باشد تحصیل نماید و شبها به کانون مراجعت نماید (جمشیدی، ۱۴، ۱۳۸۴).

مدیر کانون در این باره، با کارفرمای مربوط قراردادی منعقد خواهد نمود و در نحوه کار، تحصیل و حضور و غیاب اطفال به وسیله مددکاران اجتماعی یا نمایندگان که برای مراقبت و هدایت تعیین می‌شوند نظارت خواهند داشت. در صورت نقض مقررات این ماده به وسیله طفل، مراتب فوراً جهت اتخاذ تصمیم مجدد به دادگاه مربوطه اعلام خواهد شد (موسوی بجنوردی، ۳۴، ۱۳۸۴).

همچنین یکی از احکام قابل اجرا تنبیه بدنی طفل بزهکار به میزان و مصلحت وی می‌باشد. همچنین بر اساس ماده ۸۸ ق.م.ا. جنایتهای عمدی و شبه عمدی نابالغ به منزله خطای محض بوده و دیه بر عهده عاقله است یعنی در صورت ارتکاب قتل یا ضرب یا جرح از سوی اطفال نسبت به دیگری، جبران زیان وارده بر عهده عاقله می‌باشد و در صورتی که مجرم دارای عاقله نباشد و یا عاقله او نتواند دیه را در مدت ۳ سال بپردازد، دیه از بیت المال پرداخت می‌شود. در مورد اتلاف مال اشخاص از سوی اطفال بزهکار، جبران ضرر و زیان بر عهده خود طفل می‌باشد که اداء آن از مال طفل بر عهده ولی طفل می‌باشد.

۴- نتیجه‌گیری

بر اساس یافته پژوهشی سن مسئولیت کیفری سنی است که در آن شخص به یک تعادل و رشد جسمی و عقلی رسیده و می‌توان وی را در قبال فعل مجرمانه‌ای که قابلیت انتساب به او را دارد مورد مؤاخذه قرار داد به طوری که توان و تحمل بار مسئولیت کیفری را داشته باشد.

آغاز مسئولیت پذیری هر فردی نیز بر اساس احکام مندرج در ادیان الهی وقتی است که شخص به سن بلوغ رسیده باشد و در این خصوص در ادیان الهی و حتی برخی نظام‌های حقوقی کشورها سن بلوغ در پسران و دختران متفاوت است و هرگاه کودکی قبل از رسیدن به سن بلوغ مرتکب جرمی شود، مبرا از مسئولیت کیفری می‌باشد.

در قوانین موضوعه ایران سن بلوغ و سن رشد اطفال متفاوت بوده و قانونگذار در قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ و قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸، سنین مختلفی از اطفال را تا رسیدن به سن رشد و دارا شدن مسئولیت کیفری برشمرده است، به طوری که رسیدگی به کلیه جرایم اشخاص کمتر از ۱۸ سال در صلاحیت دادگاه اطفال می‌باشد. در ماده ۴۹ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۰ نیز اطفال را در صورت ارتکاب جرم مبرا از مسئولیت کیفری می‌دانست و طبق تبصره ۱ این ماده منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی رسیده باشد که همین موضوع در مواد ۱۴۶ تا ۱۴۷ ق.آ.د.ک. و تبصره ۱ ماده ۳۰۴ مورد توجه واقع شده و بر اساس ماده ۱۲۱۰ ق.م. بلوغ شرعی در دختران ۹ سال تمام قمری و در پسران ۱۵ سال تمام قمری است.

بنابراین مشاهده می‌کنیم که اطفالی که به سن بلوغ شرعی نرسیده اند (پسر ۱۵ سال و دختر ۹ سال تمام قمری) فاقد مسئولیت کیفری و میرا از آن می‌باشند و در صورت ارتکاب جرم به والدین یا سرپرستان قانونی‌شان جهت تربیت و یا به کانون اصلاح جهت اصلاح و تربیت تحویل داده می‌شوند اما در خصوص اطفال بالای سن بلوغ شرعی می‌بینیم که با عنایت به مفاد ماده ۴۹ ق.م.ا. واجد مسئولیت کیفری بوده و در صورت ارتکاب جرم همچون بزرگسالان با ایشان رفتار می‌شود. در ماده ۳۰۴ ق.آ.د.ک. جدید نیز آمده «به کلیه جرائم اطفال و افراد کمتر از هجده سال تمام شمسی در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود. در هر صورت محکومان بالای سن هجده سال تمام موضوع این ماده، در بخش نگهداری جوانان که در کانون اصلاح و تربیت ایجاد می‌شود، نگهداری می‌شوند.» یعنی هرگاه دختری در سن ۹ سالگی مرتکب جرمی شود، به این جرم در دادگاه عمومی و نه دادگاه اطفال رسیدگی شده و مجازاتی بر وی قابل اعمال است که بر سایر اشخاص بزرگسال اعمال می‌شود. اما این موضوع در قانون جدید با تمهیداتی اتخاذ نموده مرتفع شده است.

راهکارها

۱- کارکرد آموزشی مدرسه و موسسات آموزشی

از جمله اهداف آموزشی مدرسه، ساختن افراد برای زندگی بهتر در جامعه آینده، اجتماعی کردن، تأمین نیروی انسانی، انتخاب و واگذاری مشاغل، نوآوری، ایجاد همبستگی اجتماعی، رشد شخصیتی فرد و انتقال فرهنگ گذشته به نسلهای آینده است. در این میان جامعه شناسان برای اجتماعی کردن فرد توسط مدرسه اهمیت و اعتبار بیشتری قائل هستند. بنابراین مدرسه با این

نقش و کارکرد مهم آموزشی می‌تواند نقش بسزایی در بازدارندگی از انحراف و جرم ایفا نماید. ویکتور هوگو فرانسوی می‌گوید: «یک مدرسه باز کنید تا در یک زندان بسته شود». ق.ا.ج.ا.ا. نیز با این دیدگاه در اصل سوم دولت را موظف کرده است که «وسایل آموزشی و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد». از جمله جنبه‌های مهم مشارکت جامعه ی مدنی در مورد نهاد آموزشی مدرسه در ج.ا.ا. را می‌توان مشارکت مردم در ساخت و تجهیز مدرسه و تأمین آن برای فعالیت‌های آموزش و پرورش دانست. نقش دانشگاه آزاد اسلامی که در اوایل تشکیل حکومت جمهوری اسلامی برای غلبه بر بحران آموزش عالی ایجاد شد و همچنین نقش مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی تشکیل شده در سال‌های اخیر، در جهت توسعه کمی آموزش عالی را می‌توان از دیگر جنبه‌های مشارکت جامعه ی مدنی در امر آموزش به شمار آورد. به علاوه نقش مردم در آموزش غیررسمی را نباید فراموش کرد که توسط آموزشگاه‌های خصوصی در سطح وسیعی انجام می‌گیرد و از جهت کمی قابل توجه می‌باشد.

۲- کارکرد آموزشی مسجد و مراکز مذهبی

مسجد به عنوان یک نهاد فرهنگی همواره رسالت و کارکرد آموزشی خود را در امر آموزش غیررسمی و تعلیم و تربیت افراد مسلمان و بالا بردن آگاهی‌های اجتماعی و مذهبی آنها حفظ و تداوم بخشیده است. علاوه بر مسجد، اماکن مذهبی دیگری چون حسینیه، زیارتگاه، مصلی، مهدیه، و نظایر این‌ها نیز کمابیش دارای فعالیت آموزشی و فرهنگی می‌باشند و باید از نقش آنها در این زمینه یاد کرد. البته ناگفته پیداست که کارکرد فرهنگی مسجد که جنبه آموزشی دارد به واسطه ارتقاء بخشیدن به سطح فرهنگ و اعتقادات مذهبی مردم و بالا بردن آگاهی‌های دینی و اجتماعی آن‌ها تأثیر قابل توجهی در پیشگیری از بزهکاری اطفال خواهد داشت. جنبه دیگر کارکرد آموزشی مسجد به نقش تربیتی و اخلاقی آن مربوط می‌شود که بالا رفتن سطح اخلاق جامعه بخودی خود می‌تواند یک عامل بازدارنده و یک فاکتور مهم در پیشگیری از جرم محسوب گردد.

۳- نقش آموزشی رسانه‌های گروهی

در اینجا این نقش در دو سطح عام همگانی و خاص همگانی بررسی می‌گردد.

الف- رسانه‌های گروهی و آموزش‌های عام همگانی در جهت هنجارمندی رفتار شهروندان:

رسانه‌های گروهی به علت طیف وسیع مخاطبان، سرعت انتقال و سهولت استفاده نقش بسیار مؤثری در بالا بردن آگاهی‌های عمومی دارند. بی دلیل نیست که بند دوم اصل سوم ق. ا. ج. ا. بر بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر به عنوان یکی از وظایف دولت تأکید می‌کند.

برای تأمین این هدف در اصل بیست و چهارم قانون اسای، مطبوعات و نشریات را در بیان مطالب به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی نباشند، آزاد می‌گذارد.

ب- رسانه‌های گروهی و آموزش خاص همگانی جهت پیشگیری از جرم:

این نوع آموزش عمدتاً به صورت آموزش قوانین و مقررات کیفری انجام می‌شود و یا ممکن است جنبه آموزش به بزه دیدگان احتمالی و بالقوه و پیشگیری از بزه دیدگی داشته باشد که یقیناً در پیش‌گیری از بزه دیدگی اطفال و افزایش آگاهی آنان خصوصاً در ارتباط با قوانین و مقررات جاده ای و ترافیکی کمک کننده خواهد بود.

۳- کارکرد آموزشی سازمان‌های غیردولتی و تشکلهای مردمی

سازمانهای غیردولتی، سازمان‌هایی هستند که مشارکت جامعه ی مدنی در عرصه‌های مختلف از جمله در امر آموزش عمومی را نهادینه می‌کنند.

در ایران تشکلهای غیردولتی سنتی که ریشه در فرهنگ و باورهای ملی، سنتی و بویژه مذهبی مردم دارند مانند اوقاف، خیریه‌ها و هیأت‌های مذهبی از سابقه ی نسبتاً طولانی برخوردار هستند که بیشتر آنها به امور خیریه و اضطراری می‌پردازند و البته بعضی از آنها بویژه موقوفات دارای کارکرد و فعالیت آموزشی نیز می‌باشند. پس از انقلاب، ابتدا اصل بیست و هشتم ق. ا. ج. ا. و جوب احزاب و تشکلهای مردمی و از جمله سازمان‌های غیردولتی را مورد تأیید قرار داد. اما اوج توجه به مشارکت‌های مردمی و سازمان‌های غیردولتی در برنامه ی سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۷۸/۱/۱۷ دیده می‌شود. مواد ۱۵۷ و ۱۵۸ قانون مذکور به تشکلهای غیردولتی جوانان و زنان توجه دارد. از جمله سازمانهای غیردولتی می‌توان به انجمن ایرانی حقوق جزا و انجمن ملی دفاع از حقوق کودک اشاره کرد که می‌توانند در زمینه‌ی آموزش مسائل حقوقی بویژه در رابطه با پیشگیری از جرم نقش مؤثری ایفا نمایند.

۴- تأثیر آموزشی برخی اقدامات فردی شهروندان

اولین و مهم‌ترین موضوع در این رابطه به تأثیر آموزشی ایمان و اعتقادات مذهبی شهروندان

مؤمن و انجام فرایض و تکالیف دینی و رفتارهای اخلاقی آنها برمی گردد. این عوامل فردی علاوه بر اینکه موجب تقویت اراده و توانمندی افراد در جهت پرهیز از گناه و جرم می شود از عوامل فردی مثبت بازدارنده در جهت پیشگیری از جرم محسوب می گردند.

جنبه ی دیگر اقدامات فردی شهروندان در این راستا به نقش و اثر آموزشی فریضه ی امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یکی از احکام عبادی مهم اسلام مربوط می شود. از دیگر اقدامات فردی شهروندان که در آموزش عمومی جامعه تأثیر می گذارد، اقدامات و فعالیت های داوطلبانه و خیرخواهانه آنها در جهت آموزش و تعلیم و تربیت دیگران در پرتو تعالیم و توصیه های مذهبی می باشد که در فرهنگ اسلامی از آن به عنوان زکات علم یاد شده است.

فهرست منابع

الف) کتاب ها

- ۱- قرآن کریم
- ۲- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، ج ۲، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۷.
- ۳- استفانی، گاستون و دیگران، حقوق جزای عمومی، ج ۱، ترجمه حسن دادبان، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۷.
- ۴- آنسل، مارک، ۱۳۷۵، دفاع اجتماعی نوین، ترجمه نجفی ابرند آبادی، علی حسین و آشوری، محمد، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.
- ۵- پاد، ابراهیم، ۱۳۷۴، حقوق کیفری اختصاصی، ج ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
- ۶- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۸۰، ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ یازدهم.
- ۷- دانش، تاج زمان، ۱۳۸۶، دادرسی اطفال بزهکار در حقوق تطبیقی، تهران، نشر میزان، چاپ چهارم.
- ۸- دانش، تاج زمان، ۱۳۷۶، حقوق زندانیان و علم زندانها، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.
- ۹- دانش، تاج زمان، ۱۳۷۴، اطفال و جوانان بزهکار، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- ۱۰- دورانت، ویل، ۱۳۳۷، تاریخ تمدن، ج ۱، ترجمه آرام، احمد.
- ۱۱- رایجیان اصل، مهرداد، ۱۳۸۴، بزه دیده شناسی حمایتی، تهران، نشر دادگستر، چاپ اول.

- ۱۲- زراعت، عباس، حقوق جزای عمومی ۳ (مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی)، تهران، انتشارات جاودانه، چاپ اول، ۱۳۹۲.
- ۱۳- شامبیاتی، هوشنگ، ۱۳۷۵، بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران، انتشارات دستیار، چاپ ششم.
- ۱۴- شاملویی، فضل‌الله و قائمی، پروین، ۱۳۷۵، روانشناسی بلوغ و تربیت جنسی کودکان و نوجوانان، تهران، نشر حسام، چاپ اول.
- ۱۵- صاعی، پرویز، ۱۳۷۲، حقوق جزای عمومی، ج ۱، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ پنجم.
- ۱۶- صفایی، سید حسین، ۱۳۸۴، حقوق مدنی، ج ۱، تهران، نشر میزان.
- ۱۷- عبادی، شیرین، ۱۳۷۵، حقوق کودک (نگاهی به مسایل حقوقی کودکان در ایران)، تهران، انتشارات کانون وکلاء، چاپ چهارم.
- ۱۸- علی آبادی، عبدالحسین، ۱۳۵۴، حقوق جنایی، ج ۲، تهران، انتشارات چاپخانه بانک ملی ایران.
- ۱۹- غفوری غروی، عزیزالله، ۱۳۵۵، حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
- ۲۰- فرقانی، منصور، ۱۳۷۹، مبانی فقهی و حقوقی جرایم و تأدیب کودک، تهران، انتشارات سازمان انجمن اولیاء و مربیان، چاپ اول.
- ۲۱- محسنی، بیبا، ۱۳۵۹، دوره حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
- ۲۲- محسنی، مرتضی، ۱۳۷۹، دوره حقوق جزای عمومی، ج ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
- ۲۳- محمدی، ابوالحسن، ۱۳۸۵، مبانی استنباط حقوق اسلامی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ۲۴.
- ۲۴- نوربها، رضا، ۱۳۷۸، زمینه حقوق جزای عمومی، انتشارات دادآفرین، چاپ سوم.

ب) مجلات حقوقی

- ۱- روزنامه رسمی ۱۶ فروردین ۱۳۷۳
- ۲- جمشیدی، علیرضا، ۱۳۸۴، گفتمان سیاست جنایی در لایحه قضایی قانون تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان، مجله حقوقی دادگستری، ش ۴۵.
- ۳- کاتوزیان، ناصر، توجیه و نقد رویه قضایی، مجله کانون وکلاء، سال ۱۳۶۸، ش ۱۴۹-۱۴۸.

- ۴- موسوی بجنوردی، سید محمد، مقاله بررسی مفهوم و معیار کودکی در تفکر اسلامی و قوانین ایران، مجله متین، ش ۲۱، ۲۱.
- ۵- مهریزی، مهدی، ۱۳۷۲، مقاله بلوغ دختران، مجله کاوشی در فقه و علوم وابسته به آن، ناشر مجله حوزه، کتاب اول.
- ۶- نوربها، رضا، بهار- تابستان ۱۳۷۰، مسئولیت جزایی اطفال در قانون راجع به مجازات اسلامی، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۹.

پ) پایان نامه ها و مقالات

- ۱- اشتیاق، وحید، ۱۳۷۳، بررسی تطبیقی مسئولیت و دادرسی کیفری اطفال در حقوق ایران و آلمان، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه تهران.
- ۲- پاک نهاد، امیر، خرداد ۱۳۸۶، مقاله «رویکرد نوین حقوق انگلستان به بزهکاری اطفال»، سایت بانک مقالات فارسی <http://www.mydocument.ir>
- ۳- جوانمرد، بهروز، بهمن ۸۴، مقاله بررسی پیش نویس لایحه تشکیل دادگاههای اطفال و نوجوانان، وب سایت دادستانی کل کشور <http://www.dadsetani.ir>
- ۴- حجتی، سید مهدی، ۱۳۸۵/۱/۲۶، مقاله تحول واکنش اجتماعی در قبال بزهکاری اطفال، سایت معاونت آموزش دادگستری استان تهران، شماره انتشار ۳۵، <http://www.ghavanin.ir>
- ۵- حیدری لقب، ابراهیم، ۱۳۸۷، مطالعه تطبیقی سن مسئولیت کیفری اطفال در حقوق ایران، اسناد بین المللی و فقه امامیه، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرمشناسی، دانشگاه آزاد دامغان.
- ۶- خداکرمی، نبی، ۸۵/۳/۳۱، مقاله بحثی پیرامون عنصر روانی قتل در ادیان الهی و ایران باستان، سایت معاونت دادگستری استان تهران. <http://www.ghavanin.ir>
- ۷- درخشان، یوسف، آئین دادرسی دادگاههای اطفال در انگلستان، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق، دانشگاه تهران.
- ۸- فخر بناب، حسین، ۱۳۷۲، بررسی فقهی و حقوقی مسئولیت کیفری اطفال بزهکار، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرمشناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۹- قناد، فاطمه، ۱۳۷۸، پایان نامه حمایت کیفری از صغار در برابر جرایم جنسی در نظام حقوقی انگلستان و ولز، دانشگاه تهران.

- ۱۰- کیخسرو مقدم، باقر، ۱۳۵۸، تحقیقی در قوانین حمورابی از نقطه نظر جزایی، رساله دوره دکترای علوم جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران.
- ۱۱- مهرا، نسرين، ۱۳۷۴-۱۳۷۵، نظام عدالت کیفری در انگلستان و ولز، مجله تحقیقات حقوقی ش ۱۶-۱۷.
- ۱۲- میرمحمد صادقی، حسین، تیرماه ۱۳۷۸، مقاله «طبقه بندی اطفال بزهکار در نظام کیفری انگلیس»، سایت معاونت آموزش دادگستری استان تهران، ش انتشار ۲۶، <http://www.ghavanin.com>
- ۱۳- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، مهرماه ۸۶، نشست در کمیسیون حقوقی، قضایی و آموزش دادگستری استان تهران، سایت حقوق ایران.